جلوه هایی از حیات عالم ربانی آیة الله سید جمال الدین گلپایگانی (1(

سید محمد رضا آقامیری

بای بیان عن شعوری اترجم

فلا قلم یقوی علیه و لا فم (2)

کتاب زندگانی او را چگونه ورق زنم در حالی که قلم از نوشتار وصفش عاجز است و اندیشه از کنه وجود او بی خبر . سالها باید بگذرد و تاریخ، سیر خود را به سوی افقهای تکامل طی کند تا مگر عظمت و بلندای مقام آن رادمرد بزرگ مکتب ائمه هدی علیهم آلاف التحیة والثناء نموده شود و ابعاد و خصایص آسمانی آن پیر طریق هدایت تفسیری بسزا یابد .

مقام بلندش ما را بر آن داشت تا با زمزمه نام و گرامیداشت یادش شبنمی از بهارستان وجودش و نمی ازیم فضایلش برگیریم .

جان پرور است قصه ارباب معرفت

رمزی بیا بپرس و حدیثی بیا بگو (3)

تولد

در سال 1295 ق کودکی پا به عرصه وجود گذارد، پدر اسم او را جمال الدین نهاد و تاریخ اسم او را جمال الملة والدین .

خاندان

پدرش مرحوم آیة الله سید حسین گلپایگانی (م 1304 ق)، فرزند فقیه بزرگوار سید محمد علی گلپایگانی (م 1280 ق) است .

برادران مرحوم آیة الله سید جمال الدین همه غیر از یکی، از علمای گلپایگان بوده اند و اسامی شریفشان از نظر می گذرد:

1 - آیة الله سید محمدعلی، مؤلف کتابی در اصول و از تلامیذ میرزا حبیب الله رشتی متوفی به سال 1312 ق; 2 - مرحوم آقا سید جعفر از علمای گلپایگان; 3 - مرحوم آیة الله سید ابراهیم; 4 - مرحوم سید محمد; 5 - مرحوم سید میرزا آقا از زهاد و اتقیای گلپایگان .

تحصیلات

سید جلیل القدر، نه سال بیشتر نداشت که پدر بزرگوارش درگذشت . وی چند سالی را در سعیدآباد به شبانی و فلاحت گذراند، ولی روح بلندی که از پدران خود به ارث برده بود او را بر آن داشت تا به آبا و اجداد بزرگوار خود اقتدا کند .

دوازده ساله بود که در همان سامان نزد برادران بزرگوارش درس را آغاز کرد . مقداری از دروس مقدماتی را در موطن خود فرا گرفت و برای ادامه تحصیل راهی گلپایگان شد .

عمده علوم عربیت و بلاغت و منطق را از علمای گلپایگان آموخت . می گویند: هر روز مسافت بین سعیدآباد و گلپایگان را برای آموختن علم پیاده می پیمود . چند سالی را در گلپایگان به درس و تحصیل اشتغال داشت تا به سال 1311 ق در حالی که 16 سال بیش نداشت عزم اصفهان نمود و در مدرسه الماسیه ساکن گردید . مدتی را در آن مدرسه ساکن بود تا اینکه از آنجا به مدرسه شیخ محمد علی ثقة الاسلام منتقل گردید .

در آن دیار سطوح عالی را نزد مرحوم حاج میرزا بدیع و مرحوم آخوند ملا عبدالکریم گزی فرا گرفت و معقول را نزد مرحومان آخوند ملا علی کاشی و میرزا جهانگیر خان قشقایی بیاموخت و فقه و اصول را نزد مرحوم سید محمد خاتون آبادی و شیخ محمد علی ثقة الاسلام و شیخ محمد تقی مشهور به مدرسی و سید محمد باقر درچه ای فرا گرفت . همچنین درایه و رجال و علوم دیگر را از علمای اصفهان آموخت .

در زمان جوانی که در اصفهان تحصیل می کرد با مرحوم آیة الله حاج آقا حسین بروجردی همدرس و هم مباحثه بوده است و آیة الله بروجردی چه در هنگامی که در بروجرد بودند و چه اوقاتی که به قم مهاجرت کردند نامه هایی به ایشان می نوشتند و در باره بعضی از مسائل غامض و حوادث واقعه استمداد می کردند .

در وادی سیر و سلوک

مرحوم سید جمال الدین می فرمود:

من در دوران جوانی که در اصفهان بودم نزد دو استاد بزرگ، مرحوم آخوند کاشی و جهانگیرخان درس اخلاق و سیر و سلوک می آموختم و آنها مربی من بودند . به من دستور داده بودند که شبهای پنجشنبه و جمعه به بیرون از شهر بروم و در قبرستان تخت فولاد در عالم مرگ و ارواح تفکر کنم و مقداری هم عبادت کنم و صبح برگردم .

عادت من این بود که شب پنجشنبه و جمعه می رفتم و مقدار یکی دو ساعت در بین قبرها و در مقبره ها حرکت می کردم و تفکر می کردم و بعد چند ساعت استراحت نموده سپس برای نماز شب و مناجات برمی خاستم و نماز صبح را می خواندم و پس از آن به اصفهان برمی گشتم .

همچنین می فرمود:

شبی از شبهای زمستان هوا بسیار سرد بود، برف هم می آمد . من برای تفکر در ارواح و ساکنان وادی آن عالم از اصفهان حرکت کردم و به تخت فولاد وارد شدم و برای خوردن غذا و استراحت به بقعه ای رفتم .

در این حال در مقبره را زدند تا جنازه ای را که از ارحام و بستگان صاحب مقبره بود و از اصفهان آورده بودند آنجا بگذارند و شخص قاری قرآن که متصدی مقبره بود مشغول تلاوت شود و آنها صبح بیایند و جنازه را دفن کنند .

آن جماعت جنازه را گذاردند و رفتند و قاری قرآن مشغول تلاوت شد . من همین که دستمال را باز کرده و می خواستم مشغول خوردن غذا شوم دیدم ملائکه عذاب آمدند و مشغول عذاب کردن شدند . چنان گرزهای آتشین بر سر او می زدند که آتش به آسمان زبانه می کشید، و فریادهایی از این مرده برمی خاست که گویی تمام قبرستان را متزلزل می کرد . نمی دانم اهل چه معصیتی بود . قاری قرآن از این جریان اطلاع نداشت و آرام بر سر جنازه نشسته و به تلاوت اشتغال داشت . من از مشاهده این منظره از حال رفتم، بدنم لرزید، رنگم پرید و به قاری اشاره کردم که در را بازکن من می خواهم بروم .

گفت: آقا! هوا سرد است، برف زمین را پوشانده، در راه گرگ تو را می درد .

هرچه خواستم به او بفهمانم که من طاقت ماندن ندارم او درک نمی کرد . بناچار خود را به در اتاق کشیدم در را باز کردم و خارج شدم و تا اصفهان بسختی آمدم و چندین بار به زمین خوردم . یک هفته در مدرسه مریض بودم و مرحوم آخوند کاشی و جهانگیر خان می آمدند و استمالت می کردند و به من دارو می دادند و جهانگیرخان برایم کباب باد می زد و به زور به حلقم فرو می برد تا کم کم قدری قوت گرفتم . (4)

ورود سید به حوزه علمیه نجف

سید در جمادی الآخره 1319 ق آهنگ نجف اشرف کرد و در مسیر خود از گلپایگان گذشت و مورد استقبال عالمان آن سامان قرار گرفت، و در اوایل ماه رمضان المبارک 1319 ق وارد نجف گردید . مرحوم آقا سید جمال می فرمود:

من وقتی از اصفهان به نجف اشرف مشرف شدم تا مدتی مردم را به صورتهای برزخی آنها می دیدم: به صورتهای وحوش و حیوانات و شیاطین، تا آنکه از کثرت مشاهده ملول شدم . یک روز که به حرم مطهر مشرف شدم، از امیرالمؤمنین علیه السلام خواستم که این حال را از من بگیرد، من طاقت ندارم، حضرت آن حال را از من گرفت و از آن پس مردم را به صورتهای عادی می دیدم! (5)

سید از نخستین روزهای ورود به نجف در درس مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حاضر شد و از ملازمان درس ایشان قرار گرفت . دو دوره اصول مرحوم آخوند را حاضر شد و در بحث فقه در مباحث مختلف از آن وجود ذی قیمت استفاده فراوان برد .

سید علاوه بر شرکت در درس آخوند خراسانی، از افادات مرحوم حاج آقا رضا همدانی هم بهره مند می شد و نیز از ملازمان فقه فقیه عصر سید محمد کاظم طباطبایی یزدی بود .

همچنین از انفاس ملکوتی آقا شیخ هادی طهرانی، آخوند ملا علی نهاوندی، عالم کامل شیخ محمد بهاری و آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده کرد .

بعد از فوت مرحوم آخوند خراسانی قدس الله نفسه الزکیه وی در درس هیچ کس حاضر نشد تا آن هنگام که متوجه وجود گرانقدر آیة الله میرزا حسین غروی نائینی گردید .

شرکت آقا جمال در درس مرحوم نائینی عامل بزرگی برای شرکت علما و فضلای حوزه نجف در درس ایشان شد . او مشاور علمی نائینی بود و در اجازه ای که به وی داده از ایشان به عنوان حجة الاسلام یاد کرده است . (6) که این عنوان را مرحوم نائینی در هیچ اجازه ای برای هیچ کس به کار نبرده است .

مرحوم سید جمال پس از نیل به مقام تدریس و افاده هیچگاه مراقبت از حالات و اعمال خود را فراموش نکرده و در این وادی از انفاس قدسیه مرحوم آیة الله سید مرتضی کشمیری و آیة الحق سید احمد کربلایی بهره ها برد و از اشارات عارف کامل مرحوم حاج شیخ علی محمد نجف آبادی همواره متنبه بود تا اینکه حقایق و معانی را از وجود این انوار فروزان اخذ کرد و واصل به درجه ای از معانی شد که آنان واصل شده بودند و حایز رتبه ای از کرامات گردید که آنان جایز گردیده بودند .

حضور در صحنه نبرد

در جنگ بین الملل اول که عراقیها به یاری دولت عثمانی شتافتند و بر ضد استعمار بریتانیا به رهبری روحانیت آگاه به مبارزه برخاستند، مرحوم آیة الله سید جمال الدین همگام با مرحوم آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی در این جنگ شرکت داشتند .

نیل به مقام مرجعیت

پس از آنکه مرحوم آیة الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی قدس سره در سال 1365 ق وفات نمود، مرحوم آیة الله سید جمال گلپایگانی به مرجعیت شیعه نایل شد و عده زیادی از شیعیان در عراق و ایران از وی تقلید می کردند .

تالیفات و آثار

مرحوم آیة الله گلپایگانی دارای تالیفات زیادی هستند که اندکی از آنها به طبع رسیده است که ما بعضی از آنها را از نظر می گذرانیم:

1) رسالة فی جواز البقاء علی تقلید المیت;

2) رسالة فی اجتماع الامر والنهی;

3) رساله استدلالی در غیبت . رساله های یاد شده، همراه بیست مساله مهم استدلالی فقهی در سال 1370 ق در چاپخانه حیدریه نجف اشرف چاپ شده است;

4) تقریرات درس اصول مرحوم نائینی;

5) یک دوره اصول فقه به قلم خود ایشان;

6) یک دوره فقه شامل ابواب: طهارت، صلات، وصایا، اجاره، مکاسب، طلاق، قضا (ناتمام)، اطعمه و اشربه و حج .

فرزندان

مرحوم آیة الله گلپایگانی دارای چهار فرزند پسر بوده اند که به ذکر نام آنها می پردازیم:

1) مرحوم آیة الله علامه سید محمد جمال هاشمی متولد 1332 ق در نجف اشرف، این عالم جلیل دارای تالیفاتی متعدد بوده است .

2) مرحوم آیة الله حاج سید احمد گلپایگانی بوده که در تهران از علمای طراز اول به شمار می رفتند و در سال 1412 ق در تهران دارفانی را وداع گفتند .

3) آیة الله حاج سید علی گلپایگانی .

4) حاج سید حسین گلپایگانی .

وفات

سرانجام آیة الله العظمی حاج سید جمال الدین گلپایگانی پس از خدمات زیادی که به جامعه علم و اسلام و مسلمین نمودند در عصر روز دوشنبه 29 محرم الحرام 1377 ق در سن 82 سالگی چشم از این جهان فانی فرو بستند . پیکر پاک ایشان را برحسب وصیت خود او در وادی السلام [نجف] به خاک سپردند .

لقد غاب عن افق الهدایة فرقده

و سار من الوادی المقدس سیده

پی نوشت:

1) از جناب حجة الاسلام آقا سید احمد حجازی که در تهیه این مقاله مرا یاری داد، تشکر می کنم .

2) شعراء الغری، ج 11، ص 6 ، شعر از آیت الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی .

3) از حافظ شیرازی .

4) معادشناسی، علامه سید محمد حسین تهران قدس سره ، ج 1 ، ص 138 - 141 .

5) معادشناسی علامه سید محمد حسین تهران قدس سره ، ج 1 ، ص 142 .

6) صورت این اجازه نزد آیة الله حاج سید علی گلپایگانی (یکی از فرزندان ایشان) موجود است .